

سال‌ها خصوصی‌سازی ناموفق

ژیلا علیزاده

اشاره

پس از شکسته شدن سد اصل ۴۴ قانون اساسی و یاز شدن راه برای فعالیت‌های شفاف بخش خصوصی کشور و مطرح شدن دوباره سیاست‌های خصوصی‌سازی، و به بهانه این رویکرد مکرر نه‌چندان تازه، نگاهی داریم به مفهوم و اهداف خصوصی‌سازی با نگرش به تجربه خصوصی‌سازی در بخش‌های دیگر اقتصادی و با استفاده از نقطه‌نظرات کارشناسان و دست‌اندرکاران کشور.

مقدمه

اصل ۴۴ قانون اساسی می‌گوید: نظام اقتصادی جمهوری اسلامی ایران بر پایه سه بخش دولتی، تعاونی و خصوصی با برنامه‌ریزی منظم و صحیح استوار است. بخش دولتی شامل کلیه صنایع بزرگ، صنایع مادر، بازرگانی خارجی، معادن بزرگ، بانکداری، بیمه، تامین نیرو، سدها و شبکه‌های بزرگ آبرسانی، رادیو و تلویزیون، پست و تلگراف و تلفن، هواپیمایی، کشتیرانی، راه و راه‌آهن و مانند اینهاست که به صورت مالکیت عمومی و در اختیار دولت است. بخش تعاونی شامل شرکت‌ها و موسسات تعاونی تولید و توزیع است که در شهر و روستا بر طبق ضوابط اسلامی تشکیل می‌شود. بخش خصوصی شامل آن قسمت از کشاورزی، دامداری، صنعت و تجارت و خدمات می‌شود که مکمل فعالیت‌های اقتصادی دولتی و تعاونی است.

مالکیت در این سه بخش تا جایی که با اصول دیگر این فصل مطابق باشد و از محدوده قوانین اسلام خارج نشود و موجب رشد و توسعه اقتصادی کشور شود و مایه زیان جامعه نشود، مورد حمایت قانون جمهوری اسلامی است. تفصیل ضوابط و قلمرو و شرایط هر سه بخش را قانون معین می‌کند.

و اما خصوصی‌سازی و کاهش نقش تصدی‌گری دولت در فعالیت‌های اقتصادی، بخش عمده سیاست‌های تعدیل ساختار اقتصادی است. گسترش خصوصی‌سازی، نه تنها مشارکت بخش غیردولتی (مردم، سرمایه‌گذاران خصوصی و بخش تعاون) را در اداره امور و تصدی‌گری اقتصاد افزایش می‌دهد و به انگیزه کارآفرینی، ابتکار و نوآوری قوت می‌بخشد، بلکه بدنه کارشناسی دولت را برای انجام پژوهش‌های لازم جهت اتخاذ سیاست‌های کلان اقتصادی موثر و کارآمد آزاد می‌سازد. در این راستا، دولت می‌تواند توجه بیشتری به سیاست‌گذاری و نظارت بر امور اقتصادی داشته باشد و از صرف بودجه کلان برای اداره شرکت‌های دولتی غیرسودده بپرهیزد.

خصوصی‌سازی هنگامی موفقیت آمیز است که با آزادسازی مدیریت فعالیت‌های اقتصادی و مقررات‌زدایی در تولید و تجارت همراه باشد.

رویه‌مرفته، در حال حاضر، با توجه به روند اقتصاد جهانی و نیز الزامات اقتصاد ملی، ضرورت حرکت دولت در راستای گسترش خصوصی‌سازی و تعمیم مالکیت و مدیریت غیردولتی هر روز بیش از گذشته احساس می‌شود.

تعریف خصوصی‌سازی

در تعریفی خاص می‌توان گفت که خصوصی‌سازی عبارت است از مجموعه عملیات حقوقی و اقتصادی برای انتقال دارایی‌ها و فعالیت‌های عمومی به افراد، به منظور استفاده خصوصی از آنها توسط یک یا چند

بخش حقیقی یا حقوقی. این تعریف غیرپویا دو توضیح لازم دارد:

۱- خصوصی‌سازی با این روش، یعنی فروش موسسات دولتی به بخش خصوصی است که در نهایت، موجب کاهش بوروکراسی و فشار مقرراتی نخواهد شد، بلکه یکی از علل گرایش به انتقال این موسسات، همانا مبارزه علیه دیوانسالاری است.

۲- به علاوه، با توسعه و گسترش بازار بورس و ادغام موسسات و ایجاد شرکت‌های بزرگ، واژه مالکیت خصوصی بیشتر جنبه نشانه‌ای دارد، زیرا با ترکیب و انسجام موسسات و سرمایه‌ها، قدرت کنترل در شرکت‌های مورد بحث نه به وسیله مالکان خصوصی، بلکه توسط مدیران خصوصی که به شیوه خودگزینی عمل می‌کنند، اعمال می‌شود. این مدیران، در واقع تکنوکرات‌هایی هستند که توان و قدرت عملشان را نه از حق مالکیت، بلکه از پیچیدگی نظام به دست می‌آورند.

با توضیحات گفته شده و در جهت تلاش برای ارایه تعریفی پویا، می‌توان گفت که خصوصی‌سازی عبارت است از مجموعه عملیات حقوقی، اقتصادی و اجتماعی معطوف به کاهش و حتی حذف سرکردگی دیوانسالاری و تکنوکراسی اداری بر موسسات بخش عمومی.

خصوصی‌سازی قبل از انقلاب

بنا به تصمیم شورای نظارت بر گسترش مالکیت واحدهای تولیدی، در تاریخ ۱۷ اردیبهشت سال ۱۳۵۴ سهام شرکت‌های مختلف برای فروش عرضه شد. روزنامه رستاخیز در شماره ۶ مورخ ۱۸ اردیبهشت ۱۳۵۴ ضمن شرح پیامدهای این تصمیم شورای نظارت بر گسترش مالکیت صنعتی، این شورا

سهام کارخانه‌های دولتی سودده مانند چیت‌سازی تهران و یا چیت‌بافی شاهی به مردم عرضه شده و لیست کامل چنین واحدهایی تهیه می‌شود.

■ ■ ■
خصوصی‌سازی عبارتست از مجموعه عملیات حقوقی، اقتصادی و اجتماعی معطوف به کاهش و حتی حذف سرکردگی دیوانسالاری و تکنوکراسی اداری بر موسسات بخش عمومی.
 ■ ■ ■

خصوصی‌سازی برای چه؟

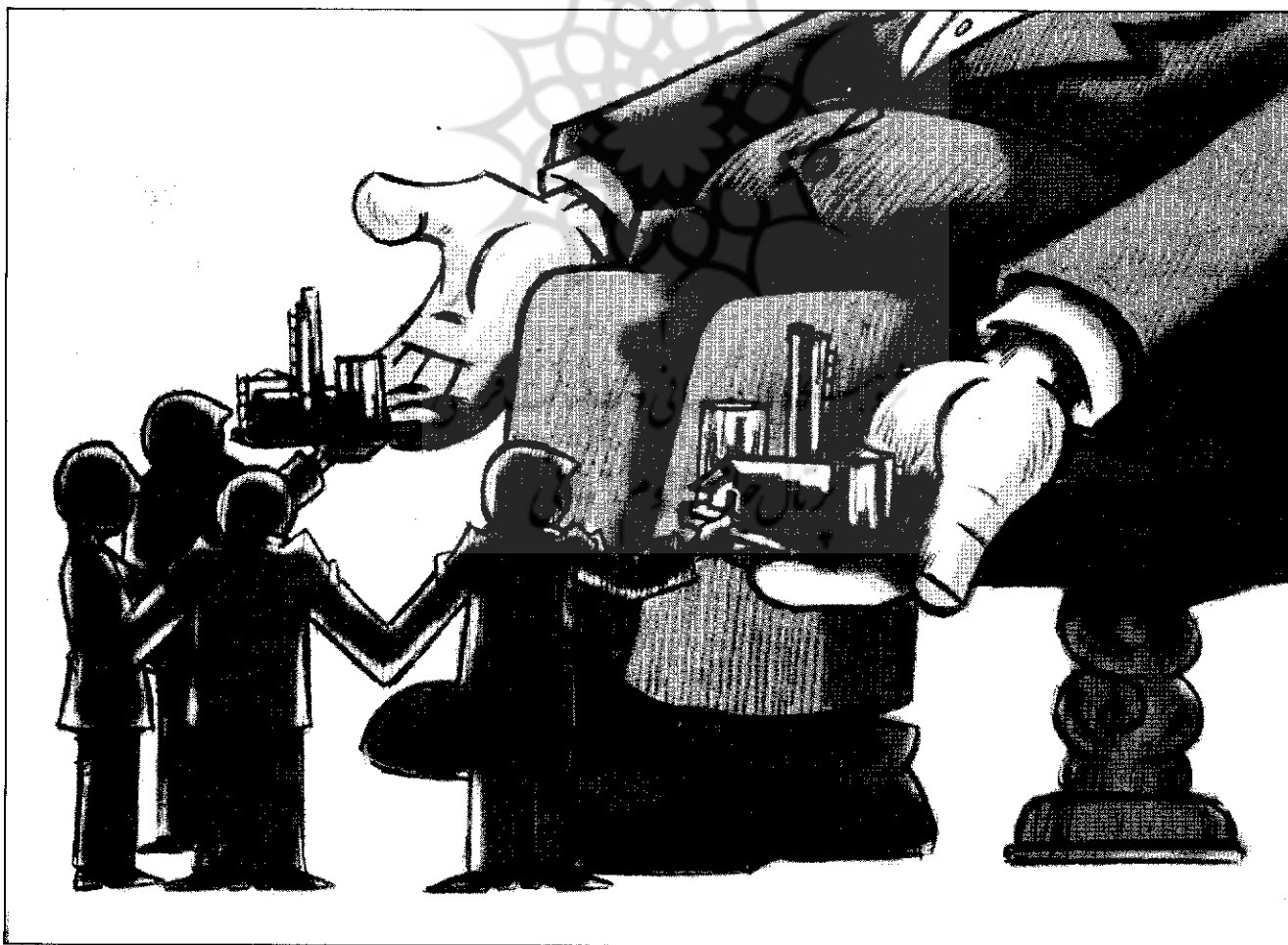
معمولاً در کشورهای صنعتی، برنامه‌های خصوصی‌سازی - چه از دیدگاه دولت و چه از دیدگاه بخش خصوصی - اهداف رسمی و غیررسمی مختلفی را دنبال می‌کنند، اما در فراسوی مواضع رسمی، واقعیت‌ها به گونه‌ای دیگر است:

۱- نظر برخی از مسوولان این است که اولاً،

این واحدها ارزش پیدا می‌کند.

این منابع آگاه همچنین در روز سه‌شنبه ۲۳ اردیبهشت ۱۳۵۴ در مصاحبه‌ای با شماره ۱۰ روزنامه رستاخیز از تضمین حداقل سود سهام کارخانه‌های دولتی به میزان هفت درصد خبر داده‌اند. این منابع در این باره می‌گویند: ایجاد موسسات اعتباری برای خرید سهام کارخانه‌های دولتی به طور جدی از جانب دستگاه‌های اجراکننده دایر بر فروش ۹۹ درصد از سهام واحدهای صنعتی متعلق به دولت و ۴۹ درصد از سهام واحدهای تولیدی بخش خصوصی پیگیری می‌شود. این منابع اعلام کردند که همزمان با تهیه مقدمات تأسیس چند موسسه اعتباردهنده به خریداران سهام کارخانه‌های دولتی، مساله تضمین حداقل سود سهام این قبیل کارخانه‌ها و نیز ارزش سهام آنها مورد توجه قرار گرفته است. همچنین دولت، سود هفت درصد را برای خریداران سهام واحدهای صنعتی متعلق به خود تضمین کرده، و ابتدا

را متشکل از وزرای کار و امور اجتماعی، مشاور و رییس سازمان برنامه و بودجه، دادگستری، بازرگانی، صنایع و معادن، رییس کل بانک مرکزی و نیز رییس اتاق بازرگانی و صنایع و معادن ایران عنوان کرده و آورده است: در جلسه این شورا تصمیم گرفته شد کلیه واحدهای تولیدی مختلط که در ایران به ثبت رسیده باشند، تا ۴۹ درصد سهام آنها به کارگران، کشاورزان و عموم مردم فروخته شود. بدین ترتیب، کارخانه‌هایی که در ایران به ثبت رسیده‌اند، ولی تا ۴۹ درصد سرمایه آنها خارجی است، مشمول این تصمیم می‌شوند. همچنین این روزنامه به نقل از یک مقام آگاه آورده است: با عرضه ۴۹ درصد کل سهام کارخانه‌های تولیدی به مردم، مسلماً قیمت واقعی این سهام در بورس و بازار آزاد به طور چشمگیری افزایش خواهد یافت و در نتیجه، ۵۱ درصد سهام باقیمانده در دست صاحبان فعلی واحدهای مذکور، پس از اجرای این تصمیم، بیش از ۱۰۰ درصد قیمت فعلی سهام



▲ هزینه‌توسازی صنایع فرسوده - در صورت واگذاری - چگونه تامین خواهد شد؟

مؤسسات بخش عمومی اغلب سودده نیستند و گاهی هم ضرر می‌دهند. از این رو "غیرمیلی کردن" مؤسسات، بازده آنها را افزایش می‌دهد.

۲- با خصوصی‌سازی، هزینه‌های بودجه دولت کاهش می‌یابد و هماهنگ با آن، فشار مالیاتی کم می‌شود.

۳- دولت با خصوصی‌سازی تلاش می‌کند تا با افزایش عرضه سهام مؤسسات و استفاده از ابزارهای جدید مالی، چون "گواهی سرمایه‌گذاری" و "اسناد مشارکت" سرمایه ویژه مؤسسات را افزایش دهد، بدون این که برای آنها بدهی بانکی به وجود آورد.

شرایط موفقیت خصوصی‌سازی

خصوصی‌سازی هنگامی موفقیت‌آمیز است که با آزادسازی مدیریت فعالیت‌های اقتصادی از یوغ دخالت‌های بی‌مورد بوروکرات‌های دولتی و همچنین با "مقررات‌زدایی" در تولید و تجارت همراه باشد.

از سوی دیگر، خصوصی‌سازی هنگامی به طور مطلوب پیاده می‌شود که با تغییرات اساسی در نگرش‌ها و بینش‌های مدیران اجرایی کشور نیز همراه باشد، تغییراتی در جهان‌بینی آنها نسبت به مالکیت عوامل تولید (مانند سرمایه، نیروی کار، منابع ملی و مدیریت) و تنظیم مجدد ارتباطات بین این عوامل.

یک نمونه موفق

سیاست‌های خصوصی‌سازی در تمامی دنیا به شکل گسترده‌ای مورد پذیرش قرار گرفته، اما باید بپذیریم که در هیچ کجای دنیا مانند بریتانیا کاملاً شمول عام پیدا نکرده است. زمانی که خانم تاچر، نخست‌وزیر سابق بریتانیا قدرت را در سال ۱۹۷۹ به دست گرفت، معادل ۱۱/۵ درصد از تولید ناخالص داخلی (GDP) انگلستان در مالکیت و تصرف دولت بریتانیا بود، در حالی که در ژوئن ۱۹۸۷ این رقم به ۷/۵ درصد کاهش یافت و امروز این درصد به مراتب کمتر هم شده است.

در طی این دوره، بیش از نیم‌میلیون نفر کارمند دولتی به بخش خصوصی منتقل شدند و حداقل ۹۰ درصد آنان در مالکیت شرکت‌های خصوصی سهیم شدند. این پدیده، از نظر سیاسی آثار خاص خود را به دنبال داشت و در حوزه اقتصاد هم نتایج دیگری را به ارمغان آورد.

وضعیت خصوصی‌سازی در ایران

با وجود آن که امر خصوصی‌سازی در اقتصاد ایران با تاخیرهای زیادی مواجه شده و شمار بسیاری از شرکت‌های دولتی کارایی و سودآوری ندارند، باز هم نحوه واگذاری و اخبار منتشره در خصوص شرکت‌های قابل واگذاری چندان دلگرم‌کننده نیست. در واقع، توجه به این نکته که هدف از واگذاری شرکت‌ها، ارتقای کارایی آنها و نوسازی صنایع کشور است نیز ضرورت دارد. در حال حاضر، در تعیین تکلیف واحدهای تحت پوشش دولت برای واگذاری - اعم از تولیدی و شرکت‌های خدماتی و مهندسی - معیار رشد کارایی و توان مدیریتی برای انجام این مهم، کمتر مورد عنایت می‌باشد، بلکه عملکرد نه‌چندان قوی و زیان‌ده، حفظ مدیریت‌های ناکارآمد گذشته و... در مدنظر است که نمی‌تواند کمک شایسته‌ای برای تحقق هدف خصوصی‌سازی باشد.



خصوصی‌سازی، سهمگین‌ترین ضربه‌ای است که در طی ۱۵ سال گذشته به بخش خصوصی مولد کشور و بخش‌های کشاورزی و صنعت وارد آمده است.



به علاوه، بیشتر صنایع کشور، صناعی فرسوده و با فن‌آوری قدیمی هستند که نیاز به نوسازی دارند، اما هزینه نوسازی صنایع - در صورت واگذاری - چگونه تامین خواهد شد؟

در این زمینه گفته می‌شود که نوسازی صنایع ایران به ۴۰ تا ۱۰۰ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری نیاز دارد و تامین این میزان سرمایه (به‌ویژه بخش ارزی آن) در کوتاه‌مدت میسر نمی‌باشد. بخش خصوصی ایران هم با توجه به سود ناچیز در فعالیت‌های تولیدی و مشکلات و درگیری‌های اجرایی، انگیزه و توان مالی لازم برای نوسازی صنایع را ندارد.

فرشاد مومنی، استاد دانشگاه در این رابطه می‌گوید: اتساخت رویکردی افسراطی در زمینه خصوصی‌سازی باعث افزایش ۵۰ درصدی میزان دخالت دولت در ۱۵ سال گذشته نسبت به دوران جنگ شده است. وی می‌افزاید: در حال حاضر، نسبت بخش‌های دولتی به خصوصی در کشور ۶۵ به ۳۵ است و خصوصی‌سازی سهمگین‌ترین ضربه‌ای است که در طی ۱۵ سال گذشته به بخش خصوصی مولد کشور و بخش‌های کشاورزی و صنعت وارد آمده است.

اگرچه در تمام این مدت پرچم خصوصی‌سازی برافراشته بوده، اما در عین حال، به از میدان‌به‌درکردن بخش خصوصی انجامیده است.

میرمطهری که خود زمانی بر مسند خصوصی‌سازی کشور نشسته بود نیز معتقد است که عملکرد خصوصی‌سازی در کشور موفق نبوده است. وی در نشست که فعالان بخش خصوصی هم حضور داشتند، به عملکرد اقتصادی ایران در دو دهه گذشته اشاره می‌کند و پس از بیان چگونگی طرح‌های تعریف‌شده در برنامه‌های اول تا سوم توسعه، می‌گوید: به نظر می‌رسد که گسترش مشارکت بخش خصوصی، بخشی از الزامات تحقق یک توسعه پایدار است و این که تا چه حد این برنامه‌ها توانسته‌اند در راستای یک توسعه پایدار، مشارکت بخش خصوصی را در کنار سایر اصلاحات مانند تخصیص بهینه منابع و اصلاحات قانونی و نهادی تقویت کنند، هنوز جای مطالعه دارد.

میرمطهری در مقام ارزیابی سه برنامه توسعه می‌گوید: در هر سه برنامه به طور مستقیم و سازمانیافته به مسایل توسعه بخش خصوصی پرداخته نشده است و برنامه‌ها نتوانسته‌اند اقتصاد ایران را از شرایط مطلوب از نظر رقابت و انعطاف‌پذیری برخوردار کنند.

مرتضی بهشتی، دبیر کنفدراسیون صنعت نیز معتقد است که عزم و اراده لازم برای تقویت بخش خصوصی پیدا نشده است، و طبق بررسی‌ای که سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی انجام داده است، شرکت‌های دولتی با نرخ ۲۵ درصد در سال رشد می‌کنند. مفهوم این رشد، این است که فضا برای بخش خصوصی تنگتر می‌شود و خصوصی‌سازی برخلاف قاعده انجام می‌گیرد.

وی همچنین معتقد است که قوانینی مانند قانون کار، بازار سرمایه، حمایت از سرمایه‌گذاری‌ها، قوانین کفبری و اقتصادی و بسیاری از قوانین دیگر اگر هماهنگ تنظیم نشوند، بخش خصوصی نمی‌تواند رشد پیدا کند.

محمد مهدی نواب، معاون امور اقتصادی و بین‌المللی وزارت صنایع نیز می‌گوید: در واگذاری شرکت‌ها به بخش غیردولتی در ایران تقریباً هیچ الگوی جهانی مورد توجه قرار نگرفته و بیشتر از آن که به نحوه خصوصی‌سازی اهمیت داده شود، به نفس واگذاری توجه شده است. وی جلوگیری از واگذاری

شرکت‌ها به بخش خصوصی را فراهم‌کننده زمینه رانت‌خواری می‌داند و در ادامه می‌گوید: وزارت صنایع و معادن از سال ۸۱ تاکنون بیشترین میزان خصوصی‌سازی را انجام داده و طبق آمار، بیش از ۸۰ درصد واگذاری‌های سازمان خصوصی‌سازی مربوط به واحدهای تحت پوشش این وزارتخانه بوده است.

اما دکتر شیانی، رییس کل بانک مرکزی نسبت به روند خصوصی‌سازی در کشور خوشبین است و در این رابطه می‌گوید: خصوصی‌سازی در کشور روبه‌پیشرفت است و هموارکردن راه، روان‌کردن مراودات و ارتباطات بهترین چیزی است که می‌توانیم برای فعالیت‌های بخش خصوصی انجام دهیم، البته دولت هم باید در کنارش باشد. وی می‌افزاید: ما بیش از ۸۰۰ هزار واحد بازرگانی و حدود ۴۰۰ هزار واحد صنعتی (روی هم حدود یک میلیون و دویست‌هزار کارگاه) داریم که عمده آنها خصوصی هستند و هموارکردن راه و حفاظت از حقوقشان موجب رشد می‌شود.

برخلاف دکتر شیانی، مهندس طهماسب مظاهری، مشاور رییس جمهوری (وزیر اقتصاد سابق) نسبت به این روند خوشبین نیست و می‌گوید: خصوصی‌سازی در کشور روند کندی را طی می‌کند. وی می‌افزاید: وجود محدودیت‌ها و مشکلات قانونی باعث کندی روند واگذاری سهام شرکت‌های دولتی در بورس شده است.

رضا شیوا، مدیرعامل موسسه مالی و اعتباری بنیاد نیز موفقیت خصوصی‌سازی در کشور را منوط به قبول برنامه‌های آن توسط همه قوا، یعنی قوه مقننه، مجریه و قضاییه می‌داند. وی می‌افزاید: برای خصوصی‌سازی نیازمند ادامه اهداف این برنامه در سطح کلان مملکت هستیم و تشکیلاتی که مسئولیت این برنامه را در اختیار می‌گیرد، باید تعریف شود و با حمایت قوای سه‌گانه کشور خصوصی‌سازی را پیاده کند.

وی سپس در خصوص این‌که روند خصوصی‌سازی باید چگونه باشد، می‌افزاید: خصوصی‌سازی یک روند پیچیده است و متأسفانه ما در کشورمان در این مسیر افراط و تفریط داشته‌ایم، به طوری که در برخی دوره‌ها یک دفعه کار خصوصی‌سازی را آزاد می‌گذاریم و فروش‌های زیادی را بدون برنامه انجام می‌دهیم و در جاهای دیگر بسیار سختگیری می‌کنیم. وی با اشاره به این‌که برای خصوصی‌سازی

نیازمند یک برنامه علمی اقتصادی کارشناسانه هستیم، می‌گوید: چنانچه خصوصی‌سازی یک مساله بسیار حیاتی و اصلی برای دولت باشد، باید دولت با کمک کارشناسان حرفه‌ای، یک کار زیربنایی برای به‌بارنشستن اهداف خصوصی‌سازی در سطح کلان جامعه انجام دهد.

عبدالله پوری حسینی، رییس سازمان خصوصی‌سازی و معاون وزارت امور اقتصادی و دارایی کشورمان هم در خصوص لایحه خصوصی‌سازی و ارزیابی آن می‌گوید: در اوایل سال جاری پیش‌نویس لایحه خصوصی‌سازی از طرف وزارت اقتصاد و دارایی با پیشنهاد سازمان خصوصی‌سازی تقدیم هیات دولت شد که برای اظهارنظر به دستگاه‌های مورد نظر ارجاع شد. وی افزود: با توجه به مباحثی که در خصوصی‌سازی وجود دارد، لزوم تغییراتی در این لایحه احساس می‌شود و قرار شده است که روی این پیش‌نویس مطالعات مجدد صورت بگیرد و سپس با اضافه کردن نکات موردنظر تقدیم شود. وی می‌گوید: این کار مطالعاتی و تحقیقاتی است و از یک گروه صاحب‌نظر درخواست شده است تا دیدگاه‌های خود را مطرح کنند.

بررسی روش‌های واگذاری طی چهار سال اول برنامه سوم توسعه نشان می‌دهد که واگذاری‌ها صرفاً با دوروش بورس و مزایده و عمدتاً از طریق بورس صورت پذیرفته است.

به گفته وی، به‌طور کلی، آنچه در حال حاضر در سازمان خصوصی‌سازی صورت می‌گیرد، خریدوفروش سهام است، اما برخی معتقدند مسیری که برای خصوصی‌سازی این شرکت‌ها انتخاب شده، راه درستی نیست.

پوری حسینی در مورد کشورهایی که در زمینه خصوصی‌سازی موفق شده‌اند، می‌گوید: قاعدتاً کشورهایی که در این زمینه موفق بوده‌اند، خصوصی‌سازی را ابتدا از موسسات مالی خود آغاز کرده‌اند و بعد به صنعت و معدن رسیده‌اند. یا ابتدا از بانک‌ها شروع شده و بعد به سراغ دیگر بخش‌ها رفته‌اند، در حالی که ما تا به امروز یک بانک را هم خصوصی نکرده‌ایم.

وی در مورد این‌که آیا مدلی برای خصوصی‌سازی داریم یا نه؟ گفت: در گذشته، سازمان خصوصی‌سازی با کشور آلمان و موسسه GTZ آلمان بیشتر در تماس بود و این انتقال تجربه بیشتر با کشور آلمان صورت گرفت، ولی مدلی درخصوصی‌سازی نداریم. بانک جهانی نیز در تازه‌ترین گزارش خود از اقتصاد ایران با اعلام این‌که نرخ بیکاری از ۱۴/۷ درصد، به ۱۱/۲ درصد کاهش یافته، توسعه مشارکت بخش خصوصی در اقتصاد را بهترین راه برای کاهش نرخ بیکاری در ایران اعلام کرده است و به همین علت از آقای پوری حسینی سوال شد که آیا نمی‌توان برنامه‌ای را اجرا کرد که در کنار اجرای سیاست خصوصی‌سازی، بر خیل بیکاران جامعه افزوده نشود؟ ایشان در جواب گفت: البته این امکان وجود دارد که متقاضی با هدف تعطیل کارخانه وارد شود تا از زمین آن بهره‌بردار. قطعاً نظر ما این نیست. در شرایط حاضر، قانوناً مجبوریم به هرکس که قیمت بالاتری را ارائه کرد، به او بفروشیم، مگر این‌که از این پس تمهیدات دیگری در قوانین و مقررات و مناقصه‌ها منظور شود. وی سپس در رابطه با نکته اصلی سوال ما که همانا بیکارشدن کارکنان واحدهای واگذار شده است، افزود: در این مرحله، بله، تعدادی بیکار می‌شوند، و این امر تقریباً در همه خصوصی‌سازی‌ها هم اتفاق می‌افتد، البته برای این ریزش‌ها باید فکری کرد.

از سوی دیگر، براساس گزارش مرکز تحلیل اخبار اقتصادی ایران، در سال ۱۳۸۲ معادل ۹۶۷۱/۳۲ میلیارد ریال درآمد از محل انجام خصوصی‌سازی کسب شده که بیش از سه برابر سال گذشته بوده است. بررسی روند خصوصی‌سازی‌ها طی چهار سال اول اجرای قانون برنامه سوم توسعه نیز حاکی از آن است که واگذاری‌ها صرفاً با دوروش بورس و مزایده و عمدتاً به روش بورس صورت پذیرفته است. بررسی روند خصوصی‌سازی برحسب دستگاه‌های واگذارکننده نیز نشانگر آن است که دستگاه‌های واگذارنده، طی سال‌های ۷۹ و ۸۰ همچنان بسیار محدود عمل کرده‌اند، ولی در دو سال اخیر، به‌خصوص در سال ۸۲، بر تعداد دستگاه‌های واگذارکننده افزوده شده است. این امر حاکی از شروع تحول در خصوصی‌سازی از دید دستگاه‌های واگذارکننده می‌باشد و به‌نظر می‌رسد که سیاستگذاری‌های اخیر مجمع تشخیص مصلحت نظام درخصوص اصول ۴۳ و ۴۴ قانون اساسی این روند را شتاب خواهد بخشید.